



حجة الاسلام مصطفی آخوندی
عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه

شبیله راهکار فرهنگی دشمن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطلع

از روزی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید (۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷)، دشمنان انقلاب با تحریک و هدایت آمریکا، به مقابله با آن برخاستند؛ تا شاید جلوی گسترش این «انفجار نور» را بگیرند و اگر هم بتوانند، آن را خاموش سازند و یک‌باره از میان بردارند. تحریم اقتصادی، تحریک و سازماندهی گروهک‌های معاند و شورشی، کودتا، خرابکاری، جنگ تمحیلی و... همه در این راستا انجام گرفت. که به فضل الهی همه توطئه‌ها خنثی شد و دشمنان ناکام ماندند؛ ولی آنان میدان را خالی نکردند. بلکه با حربه‌ای کارسازتر و مؤثرتر وارد صحنه شدند، با «حربه تهاجم فرهنگی»

دشمنان از طریق «شبیخون فرهنگی» به ویژه در جهت بسترسازی تعمیق شبهات، فضای کشور را آلوده ساختند و فکر و اندیشه جوانان را غبارآلود کردند. قلم‌های مسموم، نرم‌افزارها، سایت‌ها و... ابزارهایی بودند که در این راستا به کار گرفته شده‌اند. چه نخواهیم و چه نخواهیم با این «تهدیدات نرم» رو به رو هستیم؛ چه با غفلت و بی‌تفاوتی و یا هراس و وحشت از کنار آن بگذریم و چه آن را توهم بدانیم و چه با هوشیاری به مقابله با آن برخیزیم، دشمنان زخم خورده و منافع از دست داده «القای شبهات» را مهم‌ترین و کارآمدترین حربه خود دانسته و جهل و نادانی را بهترین بستر برای پذیرش فرهنگ غرب شناسایی کرده‌اند. مقاله حاضر در ارتباط با «شبهه‌شناسی» پیرامون موضوعات مفهوم شبهه، ویژگی‌های شبهه، عوامل تشکیل دهنده شبهه، شیوه شبهه افکنان، راه‌های مقابله با شبهه و... نوشته شده و با نگرشی به آموزه‌های دینی به تبیین موضوعات پرداخته است. امید که مورد قبول حضرت دوست قرار گیرد.

۱. فرق پرسش و شبهه چیست؟

الف. مفهوم پرسش و سؤال

سؤال یعنی درخواست، خواستن، خواهندگی؛ پرسش یعنی: پرسیدن، استفهام، استفسار، عرض و طلب.^۱

دانا به یک سؤال برون آرد
 چهل نهفته از تو به هامونی
 چون ز آنچه نداندش پرسند سؤالی
 از هول شود زائل ازو حالش و هالش
 پس خلق گشاده به خرافات و محالات
 عاکی بسته شود سخت بدین سست سؤالی^۲

ب. مفهوم شبهه

شبهه یعنی هر اشکال، پرسش یا ابهامی که در برداشت‌ها، تحلیل‌ها، تصمیمات و رفتارهای مرتبط با سعادت فرد یا جامعه منشأ خطا و اشتباه در شناخت حق از باطل گردد.

به عبارت دیگر شبهه خود را شبیه به حق می‌نماید و راه شناخت حق از باطل را مشکل و افراد را دچار شک و تردید می‌کند.

امیرمؤمنان (ع) فرمود:

إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ؛

شبهه، شبهه نامیده شده، چون شبیه به حق است.^۳

ج. ویژگی‌های شبهه

فرق شبهه و پرسش، ویژگی‌های ذیل است که بر تن شبهه پوشیده شده است:

۱. شبهه تشخیص فرد یا جامعه را در شناخت حق از باطل دچار مشکل می‌کند.
۲. شبهه موجب تردید و تزلزل در اندیشه یا عمل فرد و جامعه می‌شود.
۳. شبهه موجب غفلت از حق و سرپوش نهادن بر واقعیات و انحراف افکار عمومی از حق می‌گردد.
۴. شبهه بستر مناسبی برای ناهنجاری‌های اجتماعی و ایجاد هرج و مرج و ناامنی در جامعه می‌شود.

بنابراین طرح پرسش، ارائه نظریه علمی، دینی و فلسفی، مغالطه و سفسطه، نقد و ایراد و... در صورتی که فاقد خصوصیات فوق باشد، از گردونه شبهه خارج می‌شود. با توجه به مطالب گفته شده، شبهه نه تنها علامت رشد و تحول مثبت اجتماعی و فکری نیست، بلکه با انگیزه پنهان کردن حق، اندیشه‌ها و عقاید را به فساد می‌کشاند. بر خلاف پرسش که در پی کشف مجهول و رفع جهل است و بار مثبت دارد. هرچند ممکن است شبهه در قالب سؤال مطرح شود.

دغدغه در مقابل شبهه

چه کسانی نسبت به شبهه واکنش نشان می‌دهند و خود را در مقابل رواج و ریشه دار شدن شبهه‌ها پاسخ‌گو می‌دانند و دغدغه شبهات، اندیشه آنان را مشغول ساخته است؟ پاسخ: کسانی خود را در مقابل شبهات مسئول می‌دانند که از ویژگی‌های ذیل برخوردار باشند:

۱. حق مدار بوده، بصیرت در دین داشته و از مواضع و مبانی فکری، دینی و اجتماعی روشن و بر حق برخوردار بوده و بر ثبات آن معتقد باشند.

۲. نسبت به ترویج حق و حقیقت برای خود، تعهد و رسالتی قابل باشند.

۳. دلسوز جامعه‌اند و از به دام افتادن مردم ساده‌دل به دام شیاطین غمگین هستند.

قرآن کریم در مورد رسول خدا(ص) به عنوان الگوی مؤمنان می‌فرماید:

لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم؛ قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به (هدایت)

شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است.^۴

از این رواندیشمندان دینی و متفکران دین مدار که بر حق استوارند، با تأسی بر پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) یکی از وظایف خود را شبه‌شناسی و پاسخ به آن می‌دانستند. علامه امینی، علامه طباطبایی و شهید مطهری و نمونه‌هایی از اینانند.

البته باید یاد آور شویم که در فرهنگ دینی نوع برخورد با «شبهه» و «شبهه‌افکن» تفاوت می‌کند. در مورد شبهه پاسخی منطقی و شفاف داده می‌شود، اما در مورد شبهه افکن باید او را افشا کرد و یا مانع تلاش او گردید. کسانی که درد دین ندارند یا رگه‌های روشن فکر مآبی غرب‌گرایانه و نسبی‌گرایی معرفتی، در لایه‌های وجودشان نهفته‌است، مواجه شدن با شبهه را امری غیرعقلانی و مغایر بانفکر و اندیشه و آزادی می‌دانند. اینان نه تنها از کنار شبهات به سادگی و با تساهل می‌گذرند، بلکه چه بسا وظیفه خود را در اشاعه و ریشه دار کردن شبهات توجیه می‌کنند. گروه دیگری که شبهه را بر نمی‌تابند متحجّرین و مقدس مآبانی هستند که تفسیر درستی از دین ندارند و شبهه را مساوی با کفر معرفی می‌کنند. تحجّر و انفعال (روشنفکری) دو لبه یک قیچی هستند که هر دو در شبهه افکنی نقش دارند. لیکن با روش‌های خاص خود، نیکی با القاء شبهه و دیگری با برخورد ناشایست با شبهه‌ها.

عده‌ای نیز نه تنها نسبت به شبهات فکری و اجتماعی، حساسیتی ندارند، بلکه از واژه شبهه نیز گریزانند. و شاید این پرهیزنگری، ناشی از رسوخ شبهات فکری - فلسفی غرب و گرفتار شدن در چنبره دیدگاه‌های غربی باشد.

۳ - شبهه سازان

چه کسانی شبهه می‌سازند؟

بدیهی است کسانی در این عرصه گام می‌گذارند که در تقابل با اسلام ناب و انقلاب اسلامی، دنیای خویش را در خطر دیده و عدم کارایی دیگر شیوه‌ها را تجربه کرده‌اند، این گمراهان برای حفظ منافع مادی و گمراه کردن انسان‌ها، بهترین گزینه را «شبهه افکنی» می‌بینند.

شبهه افکنان دو گروهند: گروهی که خود گمراهند و اسیر شبهات علمی شده آن را گسترش می‌دهند. و گروهی که حق و باطل را شناخته ولی برای منافع شخصی و دنیوی مثلاً شهرت‌طلبی یا دست‌یابی به منافع شخصی اقدام به شبهه سازی می‌کنند.

تمسک به «شبهه سازی» اختصاص به دشمنان امروز ندارد، بلکه این حربیه، قدمت تاریخی

دارد و شیطان به عنوان نخستین دشمن خدا و خلق خدا در روی زمین، اولین کسی است که برای گمراه کردن مردم از حربه شبهه افکنی بهترین بهره را برده است. به عنوان مثال: بحث نژاد پرستی که دامنگیر بشریت شده و جهان را در کام خود فرو برده، از جانب شیطان در قالب برتری «آتش» بر «خاک» مطرح شد. مشرکان عصر جاهلیت نیز از این حربه بهره می‌گرفتند. آنان که با ظهور اسلام و بعثت پیامبر اکرم(ص) خود را با چالش جدی روبه‌رو دیده و منافع خویش را بر باد رفته می‌یافتند. برای مبارزه با پیامبر اکرم(ص) به القای شبهه روی آوردند. قصد ما بحث تاریخی یا قرآنی نیست، بلکه تنها نشان دادن سرخ استفاده از این شیوه در طول تاریخ و گره خوردن «عصر تمدن» با «عصر حجر» و پیوند قلبی و اندیشه‌ای دشمنان اسلام در این دو عصر می‌باشد.

مشرکان عصر جاهلیت، پیامبر(ص) و قرآن کریم را هدف گرفته بودند و مشرکان امروزی ارزش‌های الهی و انقلاب اسلامی را هدف گرفته‌اند. سلمان رشدی یکی از مصادیق آن است. به یک نمونه از «شبهه افکنی» مشرکان عصر جاهلیت اشاره می‌کنیم:

آنان می‌گفتند: محمد مجنون است^۵ و با فردی از جن در ارتباط است و او این آیات را به وی آموزش می‌دهد.^۶ یعنی این که قرآن وحی الهی نیست؛ بلکه القائات شیطانی است! قرآن در پاسخ اینان می‌گوید:

تغزیل من رب العالمین و ما تنزلت به الشیاطین؛

قرآن از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است و شیاطین آن را نازل نکرده‌اند.^۷

دشمنان از همین شیوه، در عصر امیرمؤمنان(ع) و امامان معصوم(ع) استفاده کردند و با این راهبرد توانستند به اهداف دنیایی خود دست بیابند و درد دل مردمان نسبت به آن بزرگواران شک و تردید و شبهه ایجاد کنند. به گونه‌ای که به راحتی توانستند آن بزرگواران را منزوی و یا از میان بردارند.

بنابراین یکی از شیوه‌های راهبردی دنیاپرستان در طول تاریخ، «شبهه سازی» و «شبهه افکنی» بوده است. به برخی از شبهه سازان اشاره می‌کنیم.

۱- ۲. سردمداران کفر و حکومت‌های ستمگر

رهبران حکومت‌های ستمگر و استعمارگر، استاد شبهه افکنی هستند. آنان برای بقای سلطه جویی و غارت و چپاول ملل ضعیف، بهترین گزینه استعمار فرهنگی را «شبهه افکنی» می‌دانند. هرگاه از طریق شبهه توانستند بر فرهنگ جامعه چیره شوند، توانسته‌اند به اقتصاد

او، سیاست او و... دست بیندازند و به غارتگری و چپاول پردازند.

در تاریخ اسلام، معاویه به عنوان تردستی ماهر که برای بقای سلطنت خود و تضعیف جبهه حق از شبهه افکنی بهره می‌گرفت، یاد شده است. او با همدستی عمروعاص در جبهه امیرمؤمنان(ع) شبهه ایجاد کرد و بدین طریق مردم را دچار شک و تردید ساخت و از آن بهره سیاسی برد. مثلاً:

وقتی عمار یاسر در جنگ صفین پا به میدان مبارزه نهاد، مردمی که حدیث پیامبر(ص) را در مورد عمار شنیده بودند، در جنگ با علی(ع) دچار شک و تردید شدند. پیامبر(ص) به عمار یاسر فرموده بود:

«یا عمار تقتلک الفئة الباغية»؛ عمار! تو را گروه باغی و ستم‌گر می‌کشند.

معاویه که نتوانست روایت پیامبر(ص) را انکار کند، و از سوی جبهه او دچار شک و تردید و فروپاشی شده بود، برای رد گم کردن، به حيله‌ای کارساز (ایجاد شبهه) دست زد و گفت: پیامبر(ص) درست فرموده است، ولی آن کسی که عمار را به جنگ آورده همان قاتل اوست. یعنی علی(ع) که عمار را به جنگ آورده، او قاتل است نه جبهه مقابل که عمار را به شهادت رسانده است.

و امروز استاد «شبهه افکنی» در جبهه شیخون فرهنگی، شیطان بزرگ آمریکا است که با تمام ابزار و توان به میدان آمده است.

۲ - ۳. روشنفکران سکولار

روشنفکرانی که جویده‌های غربی‌ها را نشخوار می‌کنند و طوق مزدوری دشمنان اسلام را بر گردن نهاده‌اند، از کسانی هستند که شبهات را در جامعه تزویج می‌دهند.

و اذا قيل لهم لا تفسدوا في الارض قالوا انما نحن مصلحون! ^۸

هرگاه به آنان گفته می‌شود در زمین فساد نکنید، می‌گویند همانا ما اصلاح طلب هستیم

یک نمونه نوشتند: جریان کسروی و حکیم زاده قی، اصلاح طلب بودند و امام [خمینی

(ره)] و شهید نواب صفوی، خشونت‌گرا و در مقابل جریان اصلاح طلب قرار می‌گیرند! ^۹

۲ - ۳. نادانان و بی بصیرت‌ها

گاه شبهات از طریق افراد نادان و بی بصیرت - شاید هم بدون غرض - به جامعه سرایت می‌کند. این جدال کنندگان تهی از دانش، به پیروی ناآگاهانه از شیطان به القای شبهات می‌پردازند.

قرآن کریم می‌فرماید:

و من الناس من يجادل في الله بغير علم و يتبع كل شيطان مرید^{۱۰}

و برخی از مردم درباره خدا بدون هیچ علمی مجادله می‌کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌نمایند

و در آیه دیگر می‌فرماید:

و من الناس من يجادل في الله بغير علم و لا هدی و لا کتاب منیر^{۱۱}

و از میان مردم، کسی است که درباره خدا بدون هیچ دانش و بی هیچ رهنمود و کتاب روشنی به مجادله می‌پردازد.

۲ - ۳. بیمار دلان و منافقان

مناققان و دو چهره‌ها و بیمار دلان که طریق تاریکی در پیش گرفتند، پیوسته در حال «فتنه انگیزی» می‌باشند و کارآمدترین شیوه فتنه و آشوب در جامعه را ایجاد و نشر شبهه‌های فکری، دینی، سیاسی و اجتماعی می‌دانند. زیرا مردم کمتر می‌توانند شبهه را از حقیقت تشخیص دهند. و اگر کسی هم پیدا شود و شبهه را از غیر آن جدا کند، تا به مردم آگاهی دهد، شبهه تأثیر منفی خود را گذاشته و جامعه را آلوده ساخته است.

قرآن کریم در مورد گزینشی عمل کردن این گروه جهت پیشبرد اهدافشان می‌فرماید:

فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأویلہ

اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، برای فتنه جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود] از مشابه آن پیروی می‌کنند.^{۱۲}

در آیه دیگر با اشاره به گفتار و عمل شبهه‌آمیز مناققان می‌فرماید:

لقد ابتغوا الفتنة من قبل و قلبوا لک الامور حتی جاء الحق و ظهر امر الله و هم کارهون

در حقیقت پیش از این [نیز] در صدد فتنه‌جویی برآمدند و کارها را بر تو وارونه ساختند؛ تا حق آمد و امر خدا آشکار شد، در حالی که آنان ناخشنود بودند.^{۱۳}

۴. علل رویکرد دشمنان به شبهه افکنی

چرا دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی رویکرد به القای شبهه دارند؟

دشمنان اهدافی دارند و طبیعی است که برای رسیدن به اهداف خویش به هر ابزار و

شیوه‌ای روی می‌آورند. و رویکرد آنان به این حربه خطرناک در همین راستا توجیه‌پذیر

است. به عبارت دیگر: شبهه حلقه‌ای از فرآیند یک عملیات کلی است که طراحی شده است و آن اضلال و گمراه کردن مردم است. شیطان که جزو سردمداران دشمنان خدا و مردم است سوگند یاد کردن که بندگان خدا را گمراه خواهد کرد.^{۱۴} و شاید هم انگیزه شبهه سازان فراتر از این موضوع باشد. در هر صورت به برخی از علل و انگیزه شبهه سازان اشاره می‌کنیم:

۱ - ۴. سلطه فرهنگی

اگر بپذیریم فرهنگ زیربناست، که این چنین است، باید قبول کنیم که مسایل اقتصادی، اجتماعی و... روی چارچوب فرهنگ استوارند و از آن تأثیر می‌پذیرند. در این صورت اگر سلطه فرهنگی پدید آمد، در پی آن سلطه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و... نیز به وجود خواهد آمد. یکی از خاستگاه‌های شبهه، هجوم فکری و فرهنگی این است که اباحه‌گری، تساهل و تسامح، سست کردن باورها، آزادی بی‌قید و شرط و در یک کلمه اضلال و گمراهی را با خود همراه خواهد آورد. و این همان هدفی است که دشمن آن را از طریق ایجاد شبهه تعقیب می‌کند. قرآن چه زیبا این موضوع را در بسیاری از آیات الهی تبیین می‌سازد که به چند آیه اشاره می‌کنیم:

وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدَّوَكُم عَنْ دِينِكُمْ أِنْ اسْتَطَاعُوا؛

و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا [اگر بتوانند] شما را از دینتان برگردانند.^{۱۵}

آنان از این طریق، دین و عقاید مسلمانان را هدف قرار دادند.

در آیه دیگر می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا... أُولَئِكَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کسانی را که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته‌اند، از

دوستان خود نگیرید.^{۱۶}

چرا که آنان از این طریق در پی خاموش ساختن نور الهی و اسلام ناب هستند.

یریدون ان یطفوا نور الله بافواهم؛

می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند.^{۱۷}

۲ - ۴. رقابت بر سر قدرت

برخی متصدیان قدرت که بی‌بهره از تقوای الهی می‌باشند و حاضر نیستند از مواضع اصولی خود کمی عدول کنند، و یا در پی زمینه سازی برای حفظ قدرت و جایگاه خود هستند، به شبهه سازی فکری، اجتماعی، سیاسی و... روی می‌آورند.

۳ - ۴. انجام مأموریت و مزدوری

عناصر خودفروخته و مزدوران وابسته به قدرت‌های شرق و غرب مأموریت دارند جهت سست کردن باورها و پیوندهای جامعه با انقلاب اسلامی به شبهه سازی و ترویج آن پردازند.

۴ - ۴. حفظ موقعیت و توجیه عملکرد

برخی اشخاص سیاسی یا فکری برای حفظ منزلت مصنوعی خود یا توجیه عملکرد ضعیف و منفی خویش و پیش‌گیری از طرح پرسش‌ها و اتهامات اساسی، به طرح دیدگاه‌های شبهه برانگیز می‌پردازند.

۵ - ۴. انگیزه‌ها و علقه‌های حزبی

حُبّ و بغض‌ها و گرایش‌های حزبی و گروهی یکی دیگر از علل رویکرد به این شیوه می‌باشد. آنان می‌کوشند با شبهه سازی خود را مطرح و رقیب خود را از جامعه بیرون کنند. و حال آن که ثمرات تلخ شبهه‌ها به کام جامعه فرو می‌رود نه احزاب رقیب!

من الذین فرقوا دینهم و كانوا شیعا کل حزب بما لدیهم فرحون؛

از کسانی که دین خود را قطعه قطه کردند و فرقه فرقه شدند، هر حزبی بدانچه پیش آن‌هاست دلخوش شدند.^{۱۸}

۵ - شیوه‌ها و قالب‌های طرح شبهه

دشمنان با چه شیوه‌ها و قالب‌هایی به طرح شبهه می‌پردازند؟

این پرستی است که کنکاش در پاسخ به آن، دورنمای مقابله با آن را روشن می‌سازد.

هیچ گاه شبهه با عنوان و برجسب آشکار شبهه مطرح نمی‌شود و عوامل شبهه‌ساز نیز هیچ گاه غرض و مقصود خود را در قالب پرسش‌ها و نظریات علمی شبهه‌دار به صورت آشکار بیان نمی‌کنند. هیچ گاه نمی‌گویند: این که ما مطرح می‌کنیم، شبهه است؛ بلکه آنان در پوشش‌ها، قالب‌ها و شیوه‌های نامرئی و بسیار زیرکانه، شبهات خود را مطرح می‌کنند. چرا که بهترین و مؤثرترین شیوه‌ی القای شبهه، شبهه افکنی غیر مستقیم می‌باشد.

بنابراین کسانی که دغدغه انحراف و تحریف فکری و رفتاری جامعه را دارند، باید در صدد کشف این پوشش‌ها و قالب‌ها باشند تا بتوانند سازوکار مقابله با آنان را به طور صحیح برنامه‌ریزی کنند. مهم‌ترین شیوه‌ها و قالب‌های شبهه افکنان عبارت است از:

یکی از شیوه‌های کهن که دستاویز شبهه افکنان برای طرح و القای شبهه می‌شود، «فرضیه علمی» است. که با استفاده از ناآگاهی و عدم اطلاع عموم جامعه و عدم تخصص در علوم گوناگون به ویژه نوجوانان و جوانان، انجام می‌گیرد. و چه بسا که فرضیه‌ای علمی ساخته و بافته دشمنان باشد، بدون هیچ استناد علمی. «فرضیه علمی» یعنی نظریه‌ای که احتمال صدق و کذب در آن یکسان است. می‌تواند راست یا دروغ باشد. چنانچه فرضیه علمی با نگاه علمی و با تأکید بر فرضیه بودن، یعنی با احتمال صدق و کذب، مطرح و در محافل علمی به بحث و کنکاش گذاشته شود و دانشمندان و فرهیختگان نظرات خود را همراه با استدلال بیان کنند، چنین فرضیه علمی زمینه ساز شبهه نخواهد بود.

ولی آن‌گاه که «فرضیه علمی» با نگاه ابزاری مطرح و قالب مناسبی برای القای اهداف و مبانی ایدئولوژیک و اعتقادی خاص آمیخته گردد و در قالب بیان عقلانی و منطقی مطرح شود و در محافل غیر علمی و مخاطبان غیر متخصص که فهم و توان تجزیه و تحلیل آن را ندارند، بیان شود. طرح چنین فرضیه‌ای با این ویژگی‌ها بستر مناسبی خواهد بود برای القای شبهه و انحراف افکار جامعه.

البته در صورتی که فرضیه‌های علمی، تقلیدی و انفعالی نباشند، و حال آن که بسیاری از فرضیه‌هایی که توسط شبهه افکنان مطرح می‌شود، تقلیدی و برگرفته از فرهنگ غربی‌هاست. به عنوان مثال: شبهه تعارض دین و علم و خردورزی. این شبهه‌ای که در عصر رنسانس بین اومانیست‌ها و کلیسا پدید آمد و امروز روشنفکران غرب زده آن را به دین مقدس اسلام تعمیم داده‌اند.

در تاریخ از این گزاره‌ها فراوان به چشم می‌خورد. مثلاً فرضیه «مراحل تاریخی سیر جوامع» در ماتریالیسم تاریخی مارکس، اصلی‌ترین ابزار شبهه افکنی بوده است که هنوز هم آثار آن در برخی کشورها دیده می‌شود. و امروز مقولاتی از قبیل «هرمنوتیک»، «پلورالیسم»، «دموکراسی»، «نسبیت معرفت دینی»، «صراط‌های مستقیم»، «قبض و بسط شریعت» و «نسبیت اخلاق» به چنین ابزارهایی تبدیل شده است.

بهترین راهکار مقابله با این شیوه، اولاً تفکیک جنبه‌های ایدئولوژیک از جنبه‌های علمی نظریه است. و در مرحله دوم جداسازی عناصر و اصول ثابت شده و متقن از اصول و عناصر ظنی و حدسی و بی‌پایه است.

طرح پرسش‌های هدفمند، یکی دیگر از شیوه‌های شبهه‌سازان است. طرح پرسش اگر با انگیزه‌ای حقیقت‌جویانه و به‌عنوان کلید حل مشکلات علمی مطرح و پاسخی درخور داده شود، نه تنها شبهه‌انگیز نخواهد بود، بلکه زمینه شبهه را نیز خنثی می‌کند.

لیکن طرح پرسش‌های مصنوعی یا فرعی هدفمند در باب مقولاتی که باورها و رفتارهای فرد و جامعه را ضعیف و سست می‌کند، از مؤثرترین شیوه‌های شبهه افکنی به شمار می‌آیند. به ویژه آن که چنین پرسش‌هایی برای مخاطبان ناآشنا و دور از مسایل و محیط‌های علمی و بدون وجود پاسخ‌های علمی و قانع‌کننده مطرح می‌شوند. به عنوان نمونه:

محمدجواد حجتی کرمانی: «من حرفم این است که فرض می‌کنیم شد بدترین وجه مظلومیت حضرت زهرا(س) به ثبوت قطعی و تواتر تاریخی و روایی رسیده باشد - که قطعاً چنین نیست - چرا حضرت علی(ع) در برابر این واقعه مهم و جانسوز و وحشت‌آور سکوت فرمود؟»^{۱۹}
 محسن علوی: «ابراهیم خلیل با آن مقام شایع تنها توانست به مقام امامت برسد و هیچ‌گاه به مقام ولایت نایل نگشت. آیا به راستی فقهای ما در نزد خداوند از ابراهیم خلیل مقامی بالاتر دارند؟»^{۲۰}

۳ - ۵. کشف حقیقت

شیوه دیگری که خیلی مدّ نظر شبهه افکنان است، پوشش کشف حقیقت و نقاب روشنفکرانه و خردورزی به چهره گرفتن است. به عبارت دیگر: با این پوشش به اصطلاح می‌خواهند مخاطبان را از قید تقلید و پیروی تقلیدانه رها سازند و آنان را به حقایق برسانند! این شیوه با سانسور مطالب و حقایق، بیان مطالب جهت‌دار و هدفمند و یک سویه همراه است و با فرار از پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، گریز از گفت‌وگو و مباحث علمی با اهل فن و تخصص، بد ایزاری کارآمد تبدیل شده است. به ویژه شبهه‌سازان، آن‌جا بهترین بهره را از پوشش کشف حقیقت می‌برند که مخاطبانی ناآگاه و خالی‌الذهن را مخاطب خویش قرار داده باشند. مصداق بارز این شیوه نوشته‌ها و گفته‌های سروش است که به دو نمونه آن اشاره می‌کنیم:

«فقه یا دنیوی دنیوی است یا اخروی اخروی... اما فقهی که بتواند در عرض یا در طول هم، آن دو سعادت را تأمین کند، منطقاً ناممکن است!»^{۲۱}

«به نظر من بخش عظیمی از فقه اسلامی، قانون سکولار است... در مقابل این خدای حداکثری و خودکامه، سکولاریسم سر بر کشید، به این معنی شما می‌توانید سکولار باشید.

یعنی دینتان حداکثری نباشد و حضور یک روحانی را در انجام امور شرعی شرط ندانید و سیاست چون و چراپذیر را از دیانت چون و چراناپذیر جدا کنید...»^{۲۲}

۴ - ۵. نقد و اصلاح

«نقد» و «اصلاح» چاقوی دولبه‌ای است که در دو عرصه اصلاح و تخریب به کار گرفته می‌شود. برخورد گزینشی با مسایل جامعه، برجسته کردن مسایل ریز جامعه، اطلاع‌رسانی ناقص یا غلط، سانسور پنهان و غیر مستقیم واقعیت‌ها، نقد کارهای مفید و ارزشمند و... شیوه‌هایی است که شبهه‌انگیزان، برای القای شبهه از آن‌ها بهره می‌برند. به عنوان نمونه:

محمد شریف: «تفسیری که شورای نگهبان از اصل ۹۹ به عمل آورده و نظارت استصوابی را از آن استخراج کرده است، تفسیری بسیار مبهم است. در واقع تغییر قانون اساسی تحت پوشش تفسیر است. و با این تفسیر عملاً نقش مردم و حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خودش تعطیل شده و بسیاری از اصول قانون اساسی نیز تعطیل می‌گردد!»^{۲۳}

۵ - ۵. شایعه‌سازی و دروغ‌پردازی

کم هزینه‌ترین و در عین حال کارآمدترین القای شبهه، شایعه‌پردازی و دروغ‌پردازی است. مثلاً برای ترور شخصیت فلان شخصیت طراز اول کشور، او را سرمایه دار معرفی می‌کنند.

۶ - ۵. تحریف دیدگاه‌ها با عملکردها

ولا تلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق و انتم تعلمون

و حق را با باطل نیامیزید! و حقیقت را با این که می‌دانید، کتمان نکنید.^{۲۴}

برای مقابله با سخن مقام معظم رهبری درباره «خودی و غیرخودی» گفتند: «خداوند خودی و غیر خودی نمی‌شناسد، چون نعمت‌هایش را به همه داده است. چرا ما کاسه از آش داغ‌تر هستیم!»^{۲۵}

۷ - ۵. استفاده ابزاری از آموزه‌ها، عناوین یا شخصیت‌ها.

۸ - ۵. برجسته‌سازی و تحریف برخی آموزه‌های فرعی دینی برای زیر سؤال بردن آموزه‌های اصلی و زیربنایی

۹ - ۵. معرفی برخی نظرات شاذ و نادر به عنوان نظریات مستند و معتبر.

۱۰ - ۵. طرح مبهم و سست و ناقص برخی مسایل و مباحث و عدم تبیین آن.

۱۱ - ۵، برخورد گزینشی و سوء استفاده از دیدگاه‌ها و نظریات شخصیت‌های موخه.

۱۲ - ۵. ارائه گزارش‌های توصیفی نادرست یا متعبد برای ایجاد سردرگمی و تردید در مخاطب.

۱۳ - ۵. مستند سازی دروغین یا نقل ناقص و تقطیع شده مستندات (تؤمن ببعض و تکفر ببعض).

۱۴ - ۵. تحریف واقعیات و حقایق و آموزه‌های دینی.

۱۵ - ۵. التقاط دین با خرافات.

۱۶ - ۵. ارائه تحلیل‌های غرض‌آلود، یک سویه یا مبهم.

عبدالکریم سروش: «من معتقدم نقصان‌های جدی تئوریک وجود دارد و عمده‌ترینش هم عبارت است از سایه افکندن دین بر روی همه چیز»^{۲۶}

۱۷ - ۵. خلط عرصه‌های گوناگون و درهم آمیختن استدلال‌های کلامی، فلسفی، فقهی، تفسیری و... و استفاده ابزاری و ناروا یا نتیجه‌گیری غیر منطقی از آن.

شبهه افکنان برای مقصود خود از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کنند. از قبیل نشریات، کتاب، ابزارهای صوتی و تصویری، پایگاه‌های اینترنتی و سایت‌ها در قالب‌های:

۱. نگارشی: کتاب، مجله، اعلامیه و...؛

۲. گفتاری: گفت وگو، چت، همایش، مصاحبه، سخنرانی و...؛

۳. ادبی: شعر، رمان، داستان و...؛

۴. هنری: کاریکاتور، موسیقی، طنز، فیلم و...؛

۵. رفتاری: تحصن، استعفا، کناره‌گیری از یک مسئولیت، عزل و نصب مسئولان تحت امر و...

۶. زمینه‌های شکل‌گیری شبهه

درست است که دشمنان و فرصت‌طلبان برای دستیابی به اهداف خویش رویکرد به القای شبهه دارند، اما آن‌چه به کارآیی و پذیرش شبهه کمک می‌کند، بستر و شرایط مناسبی است که در فرد و جامعه وجود دارد. از این رو بسیاری از شبهات به خاطر وجود زمینه‌های مناسب درونی یا بیرونی در جامعه شکل می‌گیرد و منشأ اثر می‌گردد.

الف. زمینه‌های فردی

بخشی از زمینه‌های فردی که منشأ اثرگذاری شبهه می‌شود، عبارت است از:

۱. ساده اندیشی، زودباوری و ساده‌لوحی؛

۲. اعتقاد و حسن ظن به دشمنان و توهم توطئه (نه‌باور داشت توطئه) و عدم اعتقاد به خودی‌ها؛

۳. ضعف علمی و آگاهی؛

۴. ضعف اخلاقی و کاستی‌های رفتاری مانند فساد اخلاقی، فساد مالی و...؛
۵. کاوش و تأملات شخصی خارج از ظرفیت و عدم مشورت با اهل فن. فلاسفه می‌گویند: کسی که ظرفیت درک مسایل فلسفی را ندارد، در این عرصه وارد نشود.
قرآن می‌فرماید:

یا ایها الذین آمنوا لا تسئلوا عن اشیاء ان تبدلکم تسؤکم
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می‌کند.^{۲۷}

ب. زمینه‌های اجتماعی

خاستگاه اصلی شکل‌گیری شبهه در جامعه، ضعف اعتقادی و فکری جامعه است. در عین حال زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خاصی نیز در شکل‌گیری شبهه به طور مستقیم مؤثر است. برای مثال می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. بروز تعارض میان عمل و گفتار نخبگان جامعه؛ قرآن می‌فرماید:

یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتا عندالله ان تقولوا ما لا تفعلون
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید.^{۲۸}

۲. چرخش فرهیختگان و پیشتازان از آرمان‌گرایی و ارزش‌های انقلاب اسلامی به شعارها و منطق فرصت‌طلبانه و بازی قدرت؛

۳. ظهور و بروز تفکر التقاطی در لایه‌های مراکز فکری، فرهنگی، هنری و نظام آموزشی و...؛

۴. تضارب و تبادل فکری در اثر ضعف بنیة فکری و سوء مدیریت فرهنگی؛

۵. عدم اطلاع رسانی شفاف و صحیح توسط مراکز مسئول فرهنگی؛

۶. دفاع ضعیف و سست و بد از باورها و ارزش‌های اسلامی.

۷. گروه‌بندی شبهات

شبهه‌ها که توسط دشمن ساخته و پرداخته می‌شوند، در گروه‌های مختلفی قابل تقسیم و شناسایی هستند که بالطبع مخاطبان خاصی را با انگیزه‌های متفاوتی هدف قرار می‌دهند. گاه شبهه‌انگیزان در پی تحریب باورها و اعتقادات جامعه‌اند و گاه در پی سست کردن پایه‌های نظام و جمهوری اسلامی و گاه در پی انهدام پایگاه اخلاقی و ترویج اباحه‌گری، ابتذال و... در

جامعه و گاه در پی تطهیر دشمن و صاف کردن جاده برای ورود دشمن به خانه ملت و ارتباط با شیطان بزرگ و... .

شاید بتوان شبهه‌ها را در گروه‌های ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. ارزش‌ها و باورهای دینی (چون: پرداختن به قرآن، پیامبران، امامان، تعبد و توسل، تقلید و...)

۲. فقه و احکام دین.

۳. انقلاب اسلامی.

۴. کارآمدی حکومت دینی و نظام جمهوری اسلامی.

۵. رهبری نظام و مدیریت دینی (ولایت فقیه).

۶. روحانیت.

۷. مراجع قانون‌گذار (مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، قانون اساسی، مجلس

خبرگان)

۸. احکام جزایی و حقوق زن.

۹. اخلاق و ارزش‌های اخلاقی (ترویج اباحه‌گری، ابتذال، آزادی مطلق و...)

۱۰. جدایی دین از سیاست (ترویج سکولاریسم).

۱۱. دفاع مقدّس.

۱۲. انقلاب فرهنگی.

۱۳. شیعه و سنی و دامن زدن به شبهات اختلاف‌افکن بین آن دو.

۱۴. تطهیر آمریکا (ایجاد زمینه برای تقابل به دشمنان اسلام و انقلاب)

۸. ملاک اولویت‌بندی شبهات

شبهاتی از لحاظ پاسخ‌گویی در اولویت هستند که دارای امتیازات ذیل باشند.

۱. نسبت به سایر شبهات، تقدّم موضوعی داشته و با پاسخ‌گویی به آن‌ها به برخی شبهات فرعی نیز پاسخ داده شود.

۲. شبهاتی که در ایجاد تزلزل در باورها و انحراف در رفتار مخاطب تأثیر بیشتری داشته باشند.

۳. شبهاتی که گستره شیاع و طرح آن گسترده‌تر باشد.

۴. شبهاتی که گروه مخاطبان آن از تأثیرگذاری اجتماعی بیشتری برخوردار باشند. مانند جوانان...

۹. راهکارهای مقابله با شبهات

مقابله با شبهه‌ها بسیار حسّاس و دقیق و از ظرافت خاصی برخوردار است. به دو صورت می‌توان به مقابله با شبهات پرداخت: «مستقیم» و «غیر مستقیم». البته گاهی مقابله مستقیم ممکن است نتایج خوبی در پی نداشته باشد و مؤثّر واقع نشود. قبل از توضیح راهکارهای مقابله با شبهات، توجّه به مقدّمات ذیل ضروری است:

۱. استفاده صحیح از همه ابزارها، شیوه‌ها و قالب‌های مشروع به تناسب مقام؛
۲. شناخت زمینه‌ها، علل و عوامل شبهه افکنی توسط شبهه سازان؛
۳. شناخت شرایط فردی و اجتماعی و ظرفیت مخاطبان و از میان بردن زمینه‌های پذیرش

شبهه:

۴. سازمان‌بخشی راهکارهای مقابله با شبهات، طراحی راهکارها و برنامه‌ها؛ که می‌تواند «بلند مدت»، «میان مدت» و «کوتاه مدت» باشد و به شیوه‌های «هجومی»، «بی‌اعتنایی»، «افتساکری»، «اطّلاع رسانی خوب» و... انجام گیرد.

در این جا به برخی راهکارهای مقابله با شبهات اشاره می‌کنیم:

۱ - ۹. شناخت مراکز شبهه افکن و افشای آنها

شناسایی طراحان شبهه و افشای اهداف و انگیزه آنان، بهترین راهکار است. در این راهکار دو هدف نهفته است: طراحان شبهه رسوا شده، به مردم معرفی می‌شوند و دیگر آن که مردم با پی بردن به اهداف شوم آنان به دام شبهات گرفتار نمی‌شوند. در این مورد به سیره امیرمؤمنان (ع) تمسک می‌جوییم:

امیرمؤمنان (ع) با شناسایی مراکز شبهه افکنی چون معاویه و حزب خوارج نهروان، آنان را به مردم معرفی کرد و نقاب از چهره فریب‌کار آنان برگرفت.

به معاویه نوشت:

فاحذر الشبهه، واشتالها علی لیستها، فان الفتنة طالما اغدفت جلايبيها، و اغشت الابصار ظلمتها

از شبهه و حق‌پوشی بپرهیز، فتنه‌ها دیرزمانی است که پرده‌های سیاه خود را گسترانده و دیده‌هایی را کور کرده است.^{۲۹}

همچنین به او نوشت:

ای معاویه! گروه بسیاری از مردم را به هلاکت کشاندی و با گمراهی خود فریشان دادی

و در موج سرکش دریای جهالت خود غرقشان کردی؛ که تاریکی‌ها آنان را فراگرفت و در امواج انواع شبهات غوطه‌ور گردیدند؛ که از راه حق به بیراهه افتادند و به دوران جاهلیت گذشتگان‌شان روی آوردند و به ویژگی‌های جاهلی خاندانشان نازیدند. جز اندکی از آگاهان که مسیر خود را تغییر دادند و پس از آن که تو را شناختند، از تو جدا شدند و از یاری کردن تو به سوی خدا گریختند. زیرا تو آنان را به کار دشواری واداشتی و از راه راست منحرفشان ساختی.^{۳۰}

خوارج نهروان، کسانی بودند که با گفتار و عملشان ایجاد شبهه می‌کردند و مردم را در باورهاشان دچار شک و تردید می‌ساختند، امیرمؤمنان (ع) با شناختی که از آنان داشت، آنان را به جامعه معرفی کرد. آن حضرت شبی از «حروراء»، محل زیست گروه خوارج، می‌گذشت. در دل شب صدای ناله غرور بن ادنه از نیروهای خوارج را که نماز شب می‌خواند و قرآن تلاوت می‌کرد، شنید. فرمود:

نوم علی یقین خیر من صلاة فی شک؛

خوابیدن همراه با یقین برتر از نماز گزاردن با شک و تردید است.^{۳۱}

۲ - ۹. آگاهی بخشیدن به جامعه

آگاه کردن مردم و از میان بردن جهل و نادانی که زمینه ساز پذیرش شبهه است، یکی دیگر از راهکارها می‌باشد. وظیفه مراکز اطلاع رسانی و مسؤولان فرهنگی در این زمینه بسیار حساس است. امیرمؤمنان (ع) در نامه ۳۲ به معاویه فرمود: «... کسانی که تو را شناختند، از تو جدا شدند و از یاری کردن تو به سوی خدا گریختند.»

۳ - ۹. هجوم به شبهه سازان و به چالش کشیدن آنان

برخی شبهات، بر مبنای نظری خاص استوار است که کاملاً غیر منطقی و قابل نقد است. و صرفاً جهت اغراض سیاسی و وارد آوردن ضربه به طرف مقابل طرح گردیده است. در این موارد ضمن نشان دادن خلأها و تهافت‌های آن مبانی، می‌بایست با طرح شبهات و پرسش‌ها، توب را به زمین شبهه‌سازان پرتاب کرد و آنان را در مقام پاسخ‌گویی به چالش کشید. دقت در عمومیت کلام امیرمؤمنان (ع) راهگشا و رهنمون بسیار زیبایی در این عنوان است. امام (ع) فرمود:

اغزوا القوم قبل ان یغزوکم فوالله ما غزی قوم قط فی عقر دیارهم الا ذلوا؛

به پیکار با دشمن بشتابید، پیش از آن که به جنگ شما درآیند. به خدا سوگند با هیچ مردمی

در آستانه خانه‌هاشان بیکار نشد جز آن که به ذلت افتادند.^{۳۲}

در کلامی دیگر فرمود:

فالنجاه للمقتحم و الهلكة للمتلموم؛

پیروزی و نجات از آن یورش برنده و شکست و هلاکت نصیب وامانده و سستی‌کننده

است.^{۳۳}

۴ - ۹. پرهیز از گفت‌وگو با شبهه افکنان

در برخی موارد باید به شبهه افکنان و شبهات آنان بی‌اعتنا بود. رها کردن شبهه، موجب می‌شود خود به خود شبهه از میان برود. چون گاهی شبهه‌ها و شبهه‌افکنان در اثر نقد و پاسخ، بزرگ می‌شوند و بها پیدا می‌کنند.

امیرمؤمنان (ع) عمار یاسر را که با مغیره بن شعبه بر موضوعی بحث و جدل می‌کرد، فرمود: «عمار! او را رها کن. او از دین خود جز چیزی که به دنیایش نزدیک کند، فرا نگرفته است. او به عمد امور را بر خود مشتبه ساخته تا شبهات را بهانه‌ای برای لغزش‌ها و خلاف‌کاری خویش قرار دهد.»^{۳۴}

نادیده انگاری و جدی نگرفتن شبهات سست و بی‌پایه، بهترین راهکار مقابله با آن‌هاست. تأثیرگذاری چنین شبهاتی در گرو جدی گرفتن و طرح صریح آن‌هاست. از این رو این سری شبهات در فراموشی و بی‌اعتنایی فسیل خواهند شد. تنها در این گونه شبهات باید بد ریشه‌ها و علل و انگیزه‌های آن پرداخت، نه به خود شبهه.

۵ - ۹. کالبد شکافی شبهه

برخی شبهات همان دیدگاه‌های شبهه پردازان هستند که به عنوان نظریه علمی مطرح می‌شوند و برخی دیگر به گونه‌ای طرّاحی شده‌اند که تنها با معانی مورد نظر خاص شبهه افکنان تأثیرگذار هستند. از این رو چنین شبهاتی را باید کالبد شکافی و تجزیه و تحلیل کرد و خطوط برجسته فکری، فلسفی و... آن را شناسایی نمود. وقتی شبهه تجزیه و تحلیل شد و هر شاخه به درستی تصحیح گردید، نه تنها از سلک شبهه بودن خارج می‌شود، بلکه برخلاف نظر شبهه افکنان ظهور خواهد کرد. برای نمونه، می‌گویند: «تمرکز قدرت موجب فساد است؛ بنابراین ولایت مطلقه زمینه فساد خواهد شد.» شبهه افکن، با تشکیل صغرا و کبرای یک قضیه کلی به نتیجه دلخواه خود رسیده است. می‌توان محتوای این شبهه را بدین گونه تجزیه و اصلاح کرد: تمرکز قدرت و ثروت زمینه فساد است. لذا ولی فقیه و عادل باید در رأس

حاکمیت قرار داشته باشد تا از سوء استفاده مراکز قدرت و ثروت در جامعه پیشگیری کند. یا طرح کلماتی از قبیل: «جامعه مدنی»، «اصلاحات» و... که می‌توان این‌ها را با معنی صحیح یا معنی دیگر از شبهه بودن خارج کرد. و حتی به ضد شبهه تبدیل نمود.

۶ - ۹. عادی سازی اصل وجود شبهات در جامعه

برخی مخاطبان از وجود شبهات وحشت دارند و آن را هیولایی می‌پندارند. باید بدینان گفت: همواره در کنار جریان فکری حق، جریان باطل هم وجود داشته است. خداوند حق و باطل را به آب زلال و کف روی آن تشبیه می‌کند. آب می‌ماند ولی کف از بین می‌رود.

فاما الزبد فیذهب جفاءً و اما ما ینفع الناس فی الارض؛

اما کف، بیرون افتاده از میان می‌رود، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند در زمین باقی می‌ماند.^{۳۵}

این هشدارها و آگاهی‌ها به مخاطب بینشی می‌دهد که راحت از کنار این شبهات عبور کند و به دام آن نیفتد.

۷ - ۹. تبدیل شبهه به پرسش یا ابهام

برخی شبهات را باید به پرسش یا ابهام تبدیل کرد، آن‌گاه به پاسخ آن پرداخت.

۸ - ۹. بیان تاریخچه شبهه

گاه تبیین تاریخچه یک نظریه و شبهه و سرگذشت آن که محل شبهه شده، مناسب‌ترین شیوه مواجهه با شبهه است. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۹ - ۹. پاسخ عملی

برخی از شبهات (بخصوص در عرصه مباحث اجتماعی) نیاز به پاسخ علمی ندارند، بلکه باید با پاسخ‌های عملی و عینی آن‌ها را از میان برداشت.

۱۰ - ۹. برخورد اخلاقی

شیوه اخلاقی و رعایت ادب و انصاف، حسن خلق و بیان نرم و مطمئن و پرهیز از اشفنگی، شاخصه‌های حقیقت‌مواضع فکری تلقی می‌شود و این خود پاسخی اثربخش خواهد بود.

قرآن می‌فرماید:

و اذا مروا باللغو مروا کراماً؛

و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می‌گذرند.^{۳۶}

۱۱ - ۹. تأکید بر درستی جنبه‌های مثبت یا مقدمات صحیح شبهه و کمرنگ کردن

اصل شبهه

۱۰. مصون ماندن و رهایی از شبهات

کزبندهایی که آدمی را از فروغلتیدن در گرداب شبهات مصون می‌دارد و او را از این مسیر پرخطر و پرسنگلاخ رهایی می‌بخشد، می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

۱ - ۱۰. داشتن ایمان و یقین به مبدأ و معاد

در آموزه‌های دینی، ایمان به خداوند و یقین به روز رستاخیز، بهترین عامل بازدارنده از غلتیدن در مسیر پرخطر و سقوط به شمار می‌آیند. زیرا آدمی در پرتو نور پرفروزان ایمان و یقین، به زوایای تاریک و لایه‌های رسوب آلود شبهه‌هایی می‌برد.

امیرمؤمنان (ع) پس از آن که شبهه را معنی می‌کند، می‌فرماید:

... فاما اولیاء الله فضیواؤهم فیها الیقین و دلیلهم سمت الهدی و اما اعداء الله فعداؤهم

فیها الضلال و دلیلهم العمی؛

امانورهدایت کننده‌دوستان خدادرشبهات، یقین است. و راهنمای آنان مسیرهدایت الهی است.

امادشمنان خدا، دعوت کننده‌شان درشبهات، گمراهی است و راهنمای آنان کوری است.^{۳۷}

عاملی که مؤمنان و اولیای الهی را از شبهه نجات می‌دهد، یقین و تقوی آنان است.

قرآن می‌فرماید:

یا ایها الذین آمنوا إن تتقوا الله يجعل لکم فرقاناً؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [تیروی] تشخیص [حق از

باطل] قرار می‌دهد.^{۳۸}

۲ - ۱۰. درنگ به هنگام پیدایش شبهه‌ها

نوقف جلوی در و وارد نشدن به خانه شبهه‌ها، مطمئن‌ترین راه مصونیت از چنگال این دشمن آرام و بی‌صدا می‌باشد. چرا که اگر کسی بخواهد پس از آلوده شدن به شبهات به پالایش اندیشد و ایمان خود بپردازد، باید بهای سنگینی بپردازد و هزینه گزافی را متحمل شود. همیشه بیش‌گیری آسان‌تر و کم هزینه‌تر از درمان است.

امام باقر (ع) فرمود:

الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة و ترکک حدیثاً لم تروه خیر من روایتک

حدیثاً لم تحصه

درنگ در مقابل شبهه بهتر از فرو رفتن در گرداب هلاکت است. حدیثی را روایت نکنی

بهتر است از این که حدیثی را نفهمیده روایت کنی.^{۳۹}

امام صادق(ع) فرمود:

أورع الناس من وقف عند الشبهة؛

پارساترین مردم کسی است که به گاه شبهه توقف کند.^{۴۰}

پرهیز از برخی میهمانی‌ها، اجتناب از لقمه مشکوک، دوری از کار شبهه‌ناک، رها ساختن مطالعه کتاب‌های گمراه کننده، نرفتن به سایت منحرف، ندیدن فیلم و تصویر مستهجن و... بهترین گزینه‌های از شبهات می‌باشد. انسانی که در لجن‌زار اعتیاد غوطه‌ور و در این بانلاق فرو رفته است، نخستین گام فرو غلتیدن در این گرداب را، از کشیدن یک نخ سیگار تلخ که روزی دوستی به او تعارف کرده بود، برداشته است و شاید روز اول تمام نخ سیگار را هم نکشیده، اما کم‌کم به آن عادت کرده تا سرانجام به گرداب اعتیاد دچار شده است. اگر آدمی به شبهه‌ها عادت کند، ترک آن بسیار دشوار است.

سخن مشکوک و دوپهلوی، مرکب شیطان است که آدمی را به درون شبهه‌ها می‌کشاند. بهترین راهکار مصون ماندن در این موارد خاموشی است. از وصایای امیرمؤمنان(ع) به امام حسن(ع) این است:

أوصیک یا حسن وکنی بک وصیاً بما أوصانی به رسول الله(ص)... الصمت عند الشبهة؛

ای حسن تو را وصیت می‌کنم و همین تو را بس است، به آن چیزی که پیامبر(ص) به من وصیت کرد: «خاموشی به هنگام شبهه».^{۴۱}

مگر جز این است که گوش و چشم و دل در مقابل عملکرد خویش باید به خداوند پاسخگو باشند. پس چرا آنان را از آلوده‌ها حفظ نکنیم.

ولا تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عند مسئلاً؛
و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.^{۴۲}

۳ - ۱۰. تدبیر و تحلیل قضایا و ره‌یافت به درستی و نادرستی آنها

گاه برخی مسایل چنان پیچیده است، چون کلاف سردرگم، که ورودیه آن، آدمی را بد گمراهی کشانده و او را از تشخیص سره از ناسره باز می‌دارد. مانند نزاع‌های ساختگی. سخنان دوپهلوی و آمیخته به راست و دروغ، شایعات و... چه بسیار بودند انسان‌هایی که بدون

تحلیل و تدبیر این گونه قضایا و وقایع، خود را با چالش‌های جدی روبه‌رو دیدند و تالیفه پرتگاه پیش رفتند و برخی از آن‌ها سقوط کردند. توقف در این مسایل و تجزیه و تحلیل آن‌ها بهترین گزینه مصون ماندن از سقوط در شبهات می‌باشد.

امام سجاد(ع) هنگام روبه‌رو شدن با امور مشتبه، کردار مشکوک و عقاید متناقض، از خداوند چنین استمداد می‌طلبد:

و وقتی اذا اشتكلت على الامور لاهداهها، واذا تشابهت الاعمال لازكاهها، اذا تناقضت الملل لارضاهها؛

[خدایا] هرگاه امور بر من مشکل شد، مرا به یافتن درست‌ترین آن‌ها هدایت کن و هرگاه کردارها بر من مشتبه گشت به پاکیزه‌ترین آن‌ها راهنما باش و هرگاه عقاید و مذاهب متناقض شدند، به پسندیده‌ترینشان توفیق ده.^{۴۳}

۴ - ۱۰. پناه بردن به قرآن

قرآن نور است. و آن کس که با نور قرآن همراه شد، از فرو غلتیدن در لایه‌های تاریک شهیدها رهایی می‌یابد.

فاذا التبست عليكم الفتن كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن؛

آن‌گاه که فتنه‌ها چون شب تاریک به شما روی آورد، به قرآن پناه ببرید.^{۴۴}

۵ - ۱۰. ارجاع مسایل به رهبران الهی و هدایت یابی از طریق آنان

کسی که بدون توجه به رهنمود رهبران و پیشوایان الهی در جامعه ره می‌پایند، یقیناً در مسیر حرکت خود به چالش‌ها و موانعی برخورد می‌کند که رهایی از آن‌ها کار آسانی نیست. و این تنها رهبران جامعه هستند که می‌توانند دست او را گرفته از سقوط نجاتش دهند و گره‌های زندگی را برایش بگشایند.

یکی از علل مهم گمراهی و هلاکت منافقان، بی‌اعتنایی به پیامبر(ص) و جانشینان او بود. آنان پیامبر خدا(ص) را کنار گذاشتند. در نتیجه به دام شیطان افتادند و از آن پس با تمام هستی در خدمت شیطان قرار گرفتند. دیگر از مصادیق این گمراهان، خوارج نهروان بود. آنان امیرمؤمنان(ع) را کنار نهادند. در نتیجه گرفتار تحلیل‌های ناقص، اندیشه‌های باطل و از همه مهم‌تر شبهه افکنی‌های معاویه شدند.

قرآن کریم می‌فرماید:

واذا جاءهم امر من الامن او الخوف اذعوا به ولو ردهوا الى الرسول والى اولى الامر منهم لعلمه الذين يستنبطونه منهم ولولا فضل الله عليكم ورحمته لاتبعتم الشيطان الا قليلاً؛

و چون خبری [حاکمی] از ایمن یا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند؛ و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند، و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلماً جز [شمار] اندکی از شیطان پیروی می‌کردید.^{۴۵}

۶ - ۱۰. پرهیز از لقمه مشکوک

لقمه شبه‌ناک، بهترین و کارآمدترین ابزار شیطان است. شاید یکی از عوامل درونی گرفتار شدن به اباحه‌گری، تساهل و تسامح و سرک کشیدن به پلورالیسم، سکولاریسم و... ناپرهیزی از لقمه‌های مشکوک و بعضاً حرام است.

سرنوشت شریک بن عبدالله نخعی عالم و فقیه عصر مهدی بن منصور خلیفه عباسی عبرتی است. او از دستگاه ظلم کناره می‌گرفت و به زندگی آزادانه و فقیرانه خود قانع بود. روزی خلیفه او را طلبید و گفت: یا باید عهده‌دار منصب قضا شوی و یا معلم فرزندان من و یا امروز بر سر سفره ما بنشین. شریک فکر کرد حال که اجبار است سومی آسان‌تر است. خلیفه دستور داد از لذیذترین غذاهای رنگارنگ برای او تهیه دیدند، و همان غذا سبب شد که شریک به دربار خلیفه ستمگر عباسی بپیوندد. از این رو هم منصب قضا را پذیرفت و هم عهده‌دار تربیت فرزندان خلیفه شد.^{۴۶}

پی نوشتها:

۱. فرهنگ دهخدا.
۲. ناصر خسرو.
۳. نوح البلاغه، خطبه ۲۸.
۴. توبه، آیه ۱۲۸.
۵. و يقولون انه لمجنون (قلم / ۵۱).
۶. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۳۶۳.
۷. شعراء، آیه ۲۱۰.
۸. بقره، آیه ۱۱.
۹. نشاط، اسفند ۷۷.
۱۰. حج، آیه ۳.
۱۱. حج، آیه ۸.
۱۲. آل عمران، آیه ۷.
۱۳. توبه، آیه ۴۸.
۱۴. ص، آیه ۸۲.
۱۵. بقره، آیه ۲۱۷.
۱۶. مانند، آیه ۵۷.

۱۷. توبه، آیه ۳۲.
۱۸. روم، آیه ۳۲.
۱۹. آفتاب یزد، ص ۶، تاریخ ۸۱/۴/۹.
۲۰. اندیشه، ص ۱، تاریخ ۸۱/۷/۱۶.
۲۱. آفتاب، ش ۱۸، ص ۷۲، شهریور ۸۱.
۲۲. آبان، ش ۱۴۰، ص ۵۱، مهر ۸۱.
۲۳. ایران، ایران سیاسی، ص ۱۸، ۸۱/۶/۴.
۲۴. بقره، آیه ۴۲.
۲۵. خرداد، مهر ۷۸.
۲۶. پاس نو، ۸۲/۶/۲۹، ص ۷.
۲۷. مانند، آیه ۱۰۱.
۲۸. صف، آیه ۲ و ۳.
۲۹. نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۶۵، ص ۶۰۷.
۳۰. نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۳۲، ص ۵۳۹.
۳۱. همان، حکمت ۹۷، ص ۶۴۵.
۳۲. نهج السعادة، ج ۲، ص ۵۲۷.
۳۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳.
۳۴. نهج البلاغه، حکمت ۴۰۵.
۳۵. رعد، آیه ۱۷.
۳۶. فرقان، آیه ۷۲.
۳۷. نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۲۸، ص ۹۱.
۳۸. انفال، آیه ۲۹.
۳۹. اخلاص الدین، ص ۳۰۱.
۴۰. غصن، ...
۴۱. امالی طوسی، ص ۷ و ۸.
۴۲. اسراء، آیه ۳۶.
۴۳. صحیفه سجادیه، ۸۶.
۴۴. میزان الحکمه
۴۵. نساء، آیه ۸۳.
۴۶. رک: داستان راستان، ج ۱، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.



تعمیرات

۱۹. ترجیح تجدد و عقل‌گرایی بر دین.
۲۰. جدایی دین از سیاست (سکولاریسم).
۲۱. احکام جزایی و حقوق زن.
۲۲. ارتداد.
۲۳. جهاد.
۲۴. القای جبر.
۲۵. التقاط.
۲۶. کوچک‌نمایی شیعه
 نمونه مطبوعات شبهه
 - مجله باور.
 - مجله کیان.
 - چشم انداز ایران.
 - هبستگی.
 - صدای عدالت.
 - جامعه نو.
 - آزاد.
 - نامه.
 - آبان.
 - توسعه.
 - گزارش.
 - آفتاب یزد.
 - چلچراغ.
 - سپیده.
 - نوروز.
 - مردم‌سالاری.
 - راه سوم.

۱. ایجاد شبهه در مورد قرآن «وحی پدیده‌ای است منطبق با محیط... نه جهانی...» (سروش).
۲. ایجاد شبهه در مورد عصمت پیامبران و امامان معصوم (ص): «همه انسان‌ها خطاکار بودند از آدم تا خاتم...» (مجتبی بدیعی).
۳. انکار ولایت انبیا و امامان (ع): مسئولیت آنان فقط ابلاغ بود» (پیان).
۴. تعرض به انقلاب اسلامی: «استبداد انقلاب» (خرّم).
۵. تعرض به جمهوری اسلامی: «حکومت لمینسیم و فشار» (آبان).
۶. تعرض به ولایت فقیه: «ولایت فقیه، دیکتاتوری است.» (خرداد).
۷. تعرض به روحانیت: «انحصار طلب و...»
۸. تعرض به شورای نگهبان.
۹. تعرض به مجلس خبرگان.
۱۰. تعرض به قانون اساسی.
۱۱. تعرض به ارزش‌ها و اعتقادات.
۱۲. نسبی بودن احکام دین.
۱۳. نسبی بودن تعبد و توسل.
۱۴. تقلید.
۱۵. آزادی.
۱۶. دفاع مقدّس.
۱۷. کارآمدی دین و حکومت دینی.
۱۸. خودی و غیر خودی.